

بررسی تأثیر ارتباط والدین با مکاتب دوره ابتدائیه

بر یادگیری شاگردان

محمد آشوری^۱ | محمد حیدر یعقوبی^۲

چکیده

ارتباط والدین با مکاتب و دریافت موانع آن در شهر کابل (حوزه ۱۳ تعلیمی) به‌خصوص در دوره ابتدائیه از مشکلات مهم آموزشی است. ارتباط والدین با مکتب در واقع سهمیم شدن بیشتر آن‌ها در تقویت بخشیدن برنامه‌های آموزشی و تربیتی مکاتب است. سؤال مهم این است که والدین درباره آموزش اطفالشان در مکتب و درباره مراقبت و پیگیری جدی و مداوم از فعالیت‌های آموزشی اطفال چگونه فکر می‌کنند؟ به چه شیوه‌هایی روابط خود را با مکتب برقرار می‌سازند؟ روش تحقیق کیفی بوده و تحلیل و تفسیر آن به شیوه تحلیل محتوا انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از مکاتب مورد مطالعه، در مکتب خصوصی ارتباط والدین به شکل متمایزی متفاوت از مکتب دولتی بوده است. در مکتب خصوصی تعداد بیشتر والدین به مکتب خواسته شده‌اند، در مکتب دولتی بنا به ضرورت، بعضی از والدین را به مکتب می‌خواهند. جلسات اولیا و مربیان در مکتب دولتی بسیار کم و به ندرت دایر می‌گردد. شاگردان مکاتب خصوصی در اثر همکاری و مراقبت‌های مشترک هیئت مدیریتی مکتب و والدین، از کیفیت آموزشی و رفتاری، توانایی‌های بهتری برخوردار هستند. از طرفی، عواملی مانند ضعف اقتصادی خانواده‌ها، اشتغال والدین، عدم آگاهی والدین از اهمیت ارتباط با مکتب، نپذیرفتن مسئولیت توسط والدین باعث شده که خانواده‌ها علاقه کمتری به آموزش اطفال و کیفیت یادگیری آنان نشان دهند.

کلیدواژه‌ها: ارتباط والدین با مکتب، دوره ابتدائیه، بهبود یادگیری، کاهش یادگیری

۱. ماستری تعلیم و تربیه، دانشگاه تعلیم و تربیه کابل، کابل، افغانستان.

۲. دکترای برنامه‌ریزی درسی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان.

ایمیل: mhyaqobi32@gmail.com



مقدمه

آموزش اطفال در واقع از دامن مادر آغاز می‌شود و با اشتراک همه اعضای خانواده به‌مرور زمان وسعت و عمق می‌یابد. از این لحاظ خانواده اولین مکان و نخستین محیط آموزشی اطفال به حساب می‌آید. با ورود طفل به مکتب محیط دوم آموزشی؛ اما رسمی و علمی آغاز می‌گردد. طفل با وارد شدن به سیستم آموزش رسمی کشور، در حقیقت همانند حلقه وصل دو محیط خانواده و مکتب را به هم پیوست می‌دهد. این ارتباط اقتضا می‌کند تا والدین با توجه و درک حساسیت آموزش و تربیت اطفال در سنین پایین، تمام تلاش و همت خویش را خرج دهند. نظام آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین و حساس‌ترین زیرساخت نظام اجتماعی، نیازمند مشارکت فعال اعضای جامعه به‌ویژه اولیا است. مشارکت اولیا یکی از عوامل مهم و اثرگذاری است که آموزش و پرورش مبتنی بر آن پویا و استوارتر، مسیر پیشرفت در عرصه‌های مختلف را می‌پیماید. (گوهری، جمشیدی، بیدختی، ۱۳۹۳)

آن دسته از دانش‌آموزانی که اولیا نسبت به آن‌ها اهمیت می‌دهند و دائماً در پیگیری وضعیت تحصیلی و تربیتی آن‌ها کوشا هستند و فرزندانشان در پیشرفت تحصیلی، نسبت به دانش‌آموزانی که اولیای آن‌ها در مراجعه به مدرسه بی تفاوت هستند، قوی‌تر و درس‌خوان‌تر هستند. تعلیم و تربیت باکیفیت، اساسی‌ترین دغدغه در نظام‌های تعلیم و تربیه در سراسر جهان است. (سند اصلاحات تعلیم و تربیه، ۱۳۹۶: ۲۵) چگونگی ارتباط والدین با مکاتب در دوره ابتدائیه و تأثیر آن بر یادگیری، مسئله‌ای است که تا کنون در محیط‌های علمی افغانستان به آن پرداخته نشده است؛ اما نتایج تعلیمی و کاهش یادگیری شاگردان گواه آن است که حتماً عامل یا عواملی که در یادگیری طفل مؤثر است یا از آن غفلت شده یا اگر دخیل است، به‌درستی عمل نمی‌کند. با توجه به سطح پایین یادگیری، سطح نگرانی‌ها درباره وضعیت تعلیم و تربیت اطفال و شاگردان افزایش می‌یابد. شناسایی عوامل پایین بودن سطح یادگیری، با توجه به عوامل متعدد و پیچیده آن‌ها کار مشکلی است؛ زیرا هم زمان‌گیر و هم پرهزینه است.



آنچه مسلم است، این است که سهم‌گیری والدین در این عرصه، از مهم‌ترین عوامل شناخته شده است و بر فعال بودن آن به‌عنوان یک بازوی مؤثر باید تأکید شود. والدین می‌توانند با مشارکت خود در امر آموزش، تربیت اطفال و بهبود یادگیری نقش بارزی داشته باشند.

این تحقیق با این هدف صورت گرفته که ابعاد مختلف و نکات پنهان قدرت مشارکت و دخالت والدین در یادگیری، تربیت و آموزش اطفال آشکار گردد. امید می‌رود نتایج این تحقیق در دسترس ادارات و مراکز تعلیمی، نهادهای اجتماعی و والدین قرار گیرد. مهم‌تر از همه انتظار می‌رود تا نتایج این تحقیق بتواند وزارت معارف را کمک نماید تا با انکشاف و تطبیق رهنمودهای مفید و جامع، اشتراک والدین را تبدیل به یک فرهنگ ساخته و باعث تحکیم ارتباط بین مکتب و والدین و بهبود یادگیری شاگردان گردد.

۱. تاریخچه انجمن اولیا و مربیان در افغانستان

افغانستان در دهه‌های اخیر، متأسفانه دچار تحولات سیاسی و نظامی وسیع و عمیقی گردید؛ طوری که شالوده و اساس حکومت‌داری و تمامی سیستم‌های خدماتی و مدیریتی از هم گسیخته و اجتماعات مردمی به تفرقه و شکاف بزرگ دچار گردید. یکی از نظام‌های مهم و اساسی که در پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، صنعتی، ساخت و ساز و... نیروی بشری صادق، خدمتگزار و مخلص را تربیت می‌نمود، نظام تعلیم و تربیت است که متأسفانه امروزه در شرایط سختی به‌صورت بسیار ضعیف، فعالیت دارد.

وزارت معارف از گذشته‌های دور به این طرف هرچند با کندی در راستای توسعه و پیشرفت برای فرزندان وطن تلاش کرده است؛ اما در جریان دهه‌های اخیر به‌خصوص بعد از سال ۱۳۷۱ با سقوط حکومت کمونیستی دچار عقب‌گشت بسیار سریع‌تر از پیشرفت‌ش شد. طی چندین سال جنگ‌های طولانی و ویرانگر که تار و پود وهستی کشور در آتش نفاق و تباهی سوخت، توانی برای ترقی و توسعه برایش نمانده



و از بروز ساختن خویش و هم‌تراز شدن با کشورهای دنیا بازماند. با تأسف باید گفت که حتی در بهترین حالت هم، وزارت معارف نتوانسته که فرصت‌ها و امکانات را در اختیار داشته باشد و برای تکامل خود در ابعاد مختلف، از جمله از لحاظ اسناد تقنینی و اجرایی غنی و جامع برخوردار باشد. در یک نظام آموزشی، تمام امکانات نیروی بشری، مالی و فیزیکی و با تمام حمایت‌های معنوی آن حول تربیت اطفال کشور و شاگردان می‌چرخد. مربیان مراکز آموزشی و والدین از عوامل و عناصر اصلی و مؤثر بر یادگیری شاگردان هستند. جا دارد که مسئولین آموزشی کشور در این راستا هم قوانین و اسناد کامل و جامع داشته باشند و هم پلان‌های قوی و دقیق را برای اجرای آن طراحی نمایند. تمام اسنادی که از گذشته و دهه‌های اخیر به شمول دوران ده‌ساله حکومت کمونیست‌ها در این ارتباط به‌ذجا مانده، سندی است که مربوط به زمان حکومت کمونیست‌ها در افغانستان تحت نام «مقرره وزارت تعلیم و تربیه جمهوری دموکراتیک افغانستان» ترتیب شده سال ۱۳۶۱، است. در مقرره فوق به اشتراک والدین در امور پرورشی و آموزشی اطفال چنین اشاره شده است: «ماده هفدهم: وزارت تعلیم و تربیه جمهوری دموکراتیک افغانستان، جلسات و سمینارهای کارمندان واحدهای وزارت، مدیریت‌های تعلیم و تربیه ولایات، مکاتب و مؤسسات تربیه معلم و دیگر مؤسسات تعلیم و تربیه را دایر می‌نماید. در صورت ضرورت در سمینارهای مذکور نمایندگان مؤسسات دولتی، سازمان‌های اجتماعی و والدین را دعوت می‌نمایند». تحولات سیاسی و نظامی که در سال ۱۳۷۱ ش. با سقوط نظام کمونیستی در کشور رخ داد و از سوی دیگر، یک دهه جنگ‌های داخلی بعد از آن، باعث شد خلأ سیاسی و حکومتی پیش‌آمده و سیستم آموزشی با ثبات و روبه‌رشدی در کشور نداشته باشیم. سند نسبتاً جدیدی که می‌توان به آن اشاره کرد، لوایح و مقرره‌هایی است که بعد از شکل‌گیری نظام جدید سیاسی در سال ۱۳۸۱ به وجود آمد.

از جمله، سند «لایحه مکاتب ابتدائی» است که در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است. سندی دیگری به نام «مسوده لایحه تعلیمات اساسی و ثانوی (۱۳۹۱)»،



در این لوایح که اصلاً مربوط به موضوع اولیا و مربیان و اختصاصی به آن نیستف به صورت ضمنی در لایحه لای توضیح لایحه وظایف معلمان، سرمعلمان و مدیران نکاتی را طی یک خط یا یک ماده و نهایت در یک پاراگراف، جهت پیگیری مسائل و حل مشکلات شاگردان تذکر داده و به معلمین، مدیران و مسئولین آموزشی توصیه نموده تا در کمیته های والدین و معلمان اشتراک نموده یا با تماس با والدین به حل مسئله پردازند. با بررسی که در سندهای گذشته داشتیم، آنجا هم چیزی بیشتر از یک متن کوتاه یک یا دو خط در این رابطه بیان نشده بود.

در لایحه مکاتب ابتدائی (۱۳۸۱) فعالیت ها و وظایف هیئت ارتباط با اولیا شاگردان چنین تشریح شده است؛ این هیئت متشکل از معلمان با تجربه و سابقه دار مکتب است که در موقع ضرورت جلسات را با والدین و نمایندگان محل زیست دایر می نماید. نکات مهم تذکر داده شده در این لایحه شامل (ماده ۱۸۳)، جلب توجه اولیای شاگردان، موسفیدان و بزرگان محل در ایجاد رابطه نیک و احسن با اهالی منطقه در امور تربیتی و اخلاقی شاگردان که بیشتر از محیط می آموزند؛ (ماده ۱۸۴) جلب کمک های مالی اشخاص مستعد و معارف دوست منطقه برای ترمیم و تجهیزات و اكمال سامان و وسائل ضروری مکتب؛ (ماده ۱۸۵)، هیئت ارتباط با اولیای شاگردان با دایر نمودن محافل ادبی، کنفرانس ها، نمایش های سپورتی و غیره می توانند اولیای شاگردان را دعوت نموده و توجه شان را در بهبود وضع درسی جلب نماید. جالب این است که هیچ روش و راه کاری که شامل جزئیات و مراحل اجرایی باشد، در آن دیده نمی شود. صرف یک توصیه کلی بیشتر نیست.

در سندهای موجود مانند لایحه مکاتب ابتدائی چاپ سال ۱۳۸۱ برای اولین بار از کلمه «کمیته» و «هیئت والدین و معلمان» استفاده شده است.

سندی دیگری که در این رابطه از ارتباط بین مربیان و والدین صحبت به میان آورده است، قانون وزارت معارف مصوب (۱۳۸۲: ۵۱) است که به مشارکت والدین در امور آموزشی شاگردان، به صراحت چنین بیان نموده است: «سهم گیری فعال اولیا شاگردان، معلمان و مردم محل در مراحل تعلیم و تربیه به منظور حل مشکل تعلیمی و



تربیتی، در بهبود کیفیت تعلیم و تربیت، در جلوگیری از سوءاستفاده و تخلفات قانونی و تأدیبی شاگردان و منسوبین معارف». هم‌چنین پلان استراتژیک ملی سوم معارف (۱۳۹۶-۱۴۰۰) تحت عنوان نقش والدین و مردم آورده است: «پلان استراتژیک سوم به ایجاد روابط مختلف بین متقاضیان خدمات تعلیمی (شاگردان، والدین و مردم) و عرضه‌کنندگان خدمات خواهد پرداخت».

یکی از موضوعات قابل تأمل که اخیراً در اسناد تقنینی کشور مشاهده می‌شود و می‌توان گفت در نوع خود یک کار زیرساختی و اساسی است، موضوع نقش والدین در پرورش و تربیت طفل در قبل از مکتب است. جا دارد تا آن را به دیده قدر نگرسته و به آن اهمیت زیادی داده شود. در سندی که در تعلیمات قبل از مکتب وزارت معارف به طبع رسیده موضوع مشارکت والدین چنین یادآوری شده است: «نقش مرکزی والدین و سایر اعضای فامیل در قسمت پرورش اطفال نه تنها ارزش داده شده بلکه بهبود بخشیده می‌شود، تعلیمات (تعلیم و تربیه) طفولیت مقدم». (مسوده پالیسی ریاست تعلیمات عمومی مارچ ۱۳۸۷ / ۲۰۰۸: ۱۲) اما باید گفت که به صورت وسیع و با جزئیات بیشتر به آن پرداخته نشده است.

با برقراری نظام حکومتی نسبتاً با ثبات که در سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۴۰۰ ایجاد شد، فضای نسبتاً خوبی برای تغییر آوردن در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... پیش آمد. در این فرصت وزارت معارف نیز کارهای مفیدی در جهت‌های مختلف انجام داد. از جمله بازنگری قوانین گذشته و تهیه اسناد جدید که بتواند خلأهای موجود را تکمیل نماید. یکی از آن موارد موضوع اشتراک والدین بود که در این اواخر به صورت خاص مورد توجه مسئولین مرکزی، مراکز آموزشی و مردم قرار گرفته و پی به اهمیت آن بردند. شورای علمی و بورد استانداردهای وزارت معارف به دلیل اهمیت مشارکت والدین در امر تربیت و آموزش اطفال لایحه خاصی را به نام «لایحه شورای اولیای شاگردان (۱۳۹۱) را ترتیب داد. در این لایحه نقش اولیا شاگردان در شورای مکاتب به صورت برجسته تبارز داده شده و به صورت مفصل به تفکیک مسئولیت‌ها و تقسیم وظایف بین اولیای و مربیان پرداخته است. در این سند



برخی اصول، شیوه‌های ارتباطی مکتب با والدین و مباحث بین دو طرف به‌منظور رهنمایی معلمان طرح شده است. در این رهنمود اشاراتی خوبی به موضوع چگونگی برقراری ارتباط والدین با مکتب بیان شده است. همچنین در این رهنمود، هدایاتی مفیدی برای معلمان داده است تا چگونه برای حل مشکلات شاگردان با والدین در ارتباط شوند.

اولیای شاگردان در دایره این شورا، اهداف ذیل را درباره آموزش بهتر و بهبود یادگیری شاگردان محقق می‌سازند:

۱. نظارت و مواظبت از تعلیم، اخلاق، تهذیب، دسپلین و برخوردهای اجتماعی شاگردان و منسوبین مؤسسه تعلیمی؛
۲. سهمگیری فعال اولیای شاگردان، معلمان و مردم محل در مراحل مختلف روند تعلیم و تربیه به‌منظور حل مشکلات تعلیمی و تربیتی، بهبود کیفیت تعلیم و تربیه، جلوگیری از تخلفات قانونی شاگردان و منسوبین مؤسسه تعلیمی؛
۳. حمایت از شاگردان و منسوبین معارف در برابر خشونت و اعمال تخریبی در خانه، داخل و خارج از مؤسسه تعلیمی؛
۴. ارتقای سطح تعلیمی، تربیتی و فرهنگی جامعه و شمولیت شاگردان در مؤسسه تعلیمی؛
۵. تحکیم روابط بین افراد جامعه و مسئولان مؤسسه تعلیمی به‌منظور بهبود وضعیت معارف؛
۶. بیان فواید کسب تعلیم و تربیه برای افراد جامعه؛
۷. ایجاد فضای مصون و امن برای شاگردان و منسوبین مؤسسه تعلیمی؛

یکی از اسناد قابل ذکر، «رهنمای پالیسی تعلیمات محلی ۱۳۹۰» است. این سند برای صنوف محلی ترتیب داده شده است. نکته قابل توجه در این سند، تأکید بر تشکیل جلسه مشترک بین اعضای شورا و معلم صنف محلی است. در سند آمده که شورای مکتب، باید انعطاف‌پذیر (در بین ۳-۷ نفر اعضا) و شامل یک نفر معلم مکتب محلی، اشتراک زنان و جوانان و نماینده والدین باشد.

در «سند اصلاحات اداری وزارت معارف ۱۳۹۷: ۲۰»، سهمی شدن والدین در امر تعلیم و تربیه، یکی از عناصر مهم به حساب آمده است. عنصر والدین و اجتماع،



به‌عنوان عنصر ششم و بعد از محیط آموزشی در سیستم تعلیم و تربیه شناخته شده است. والدین در این عنصر به حیث شریک و همکار مجتمع یادگیری شناخته شده و وظایف مهمی را بر عهده آنان گذاشته گذاشته‌اند. در این سند والدین، وظایف ذیل را در قبال اطفال دارند:

- والدین مربی خوب برای اطفال خود؛
- آگاه شدن از برنامه‌ها و مقررات مکتب و همکاری لازم برای تطبیق آن‌ها؛
- کمک به انجام کار خانگی فرزندان خود؛
- همکاری رضاکارانه در امور تعلیمی، تربیتی، اداری و خدماتی مکتب؛
- سهیم شدن در تصمیم‌گیری‌های مکتب از طریق شوراها؛
- همکاری در شناسایی و استفاده از منابع و خدمات موجود در خانه‌ها و محل برای بهبود امور تعلیمی، تربیتی، اداری و خدماتی مکتب.

وزارت معارف هماهنگی و همکاری با والدین را در ارائه خدمات تعلیمی از مأموریت‌های خویش می‌شمرد.

۲. میزان سهم‌گیری و مشارکت والدین در پروسه آموزشی

انجمن اولیا و مربیان، در واقع حلقه وصل مربیان مکاتب و مراکز آموزشی با والدین شاگردان است. در این حلقه، عملکرد شاگردان مورد بحث قرار گرفته و مربیان مکاتب و اولیای شاگردان با تبادل نظر در ارتباط با برنامه‌های آموزشی مکاتب جزئیات شیوه‌های تطبیق برنامه آموزشی و نظارت بر نحوه یادگیری و رفتاری شاگردان را در مقاطع مختلف مرور و بررسی می‌نمایند. در این انجمن بیشتر به مشکلات یادگیری و ناهنجاری‌های رفتاری شاگردان پرداخته شده و از چگونگی کنترل و نظارت بر آن صحبت می‌شود.

امروزه برگزاری چنین جلساتی به یکی از مهم‌ترین امور و جدی‌ترین راهکار برای مدیریت بهتر و بهبود آموزش، یادگیری و نظارت و کنترل رفتار اطفال و شاگردان به شمار می‌رود. هراندازه این موضوع کم‌اهمیت دیده شود، به همان اندازه تأثیرات



منفی رفتاری و افت تحصیلی را در شاگردان به خصوص شاگردان دوره ابتدایی شاهد خواهیم بود.

درواقع غالباً بین مکاتب و اجتماعات محل آن، تماس‌های محدودی وجود دارد که البته علل این مسئله فراوان است از جمله اینکه بسیاری از والدین به خاطر کارهای داخل و خارج خانه در جریان روز نمی‌توانند در فعالیت‌های مکتب اشتراک نمایند. در افغانستان اکثر والدین کم‌سواد یا بی‌سواد هستند و از صحبت کردن با مدیر مکتب و معلمان ترس دارند به همین دلیل خجالت می‌کشند که به صورت فعال در فعالیت‌های مکاتب سهم بگیرند. دیگر اینکه اکثر خانواده‌های افغان پرجمعیت می‌باشند و والدین گرفتار نگهداری و تربیت اولادشان هستند و به مشکل وقت و فرصت مناسب پیدا می‌کنند تا بتوانند در فعالیت‌های مکاتب سهم بگیرند. (یونسکو و وزارت معارف تعلیمات فراگیر، بی‌تا، ۲: ۱)

با همه این‌ها باز هم وزارت معارف در انجام این مأموریت که باید با والدین همکاری و هماهنگی داشته باشد، خود را ناتوان می‌بیند. مثلاً در سند اصلاحات وزارت معارف آمده است که تعداد زیادی از والدین با اطفال خویش در آموختن دروس کمک نمی‌توانند یا یک تعداد از آن‌ها به دلایل مختلفی کمک نمی‌توانند. سیستم تعلیمی نیز ظرفیت لازم برای تشویق والدین به کمک در تعلیم اطفالشان ندارد. (وزارت معارف، ۱۳۹۶: ۵۹)

وزارت معارف کوشیده تا این موضوع را در سطح جامعه نیز بازتاب داده شود و اقشار فرهنگی و مدنی نیز جهت گسترش و تقویت آن سهم بگیرند. از این رو در سال ۱۳۹۷، سند مکانیزم همکاری معارف با جامعه مدنی را تهیه نمود. در این سند از موضوعات مهم در ارتباط با همکاری والدین و جامعه با نهادهای تعلیمی بحث شده و آگاهی آن‌ها را در اولویت قرار داده است. «آگاهی شهروندان نقش مهم در انشکاف معارف و کاهش موانع فرهنگی و اجتماعی معارف دارد. از این رو جامعه مدنی مایل است تا در زمینه‌های وظایف والدین در ارتباط با تعلیم و تربیت اطفال و نقش آن‌ها در شورای اداری مکاتب همکاری نماید». (سند مکانیزم همکاری معارف، ۱۳۹۷)



۳. میزان سهم گیری اولیای شاگردان در کشورهای دیگر

آربزی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان نقش والدین در امور تحصیلی فرزندان، چنین نتیجه‌گیری کرده است: «رفت و آمد والدین با کادر آموزشی می‌تواند تأثیر چشمگیری بر انگیزش و وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. همکاری والدین با اولیای مدرسه می‌تواند به ایجاد رابطه مطلوب خانه و مدرسه کمک کند. بدین ترتیب می‌توان به افزایش شایستگی‌ها و کاهش مشکلات کمک کرد. قابل ذکر است اولیا در ارتباط با مدرسه نباید نگاهی انتقادی و شکایت‌آمیز به عملکرد عوامل مدرسه داشته باشند، بلکه لازم است نگرش اقدام مشارکتی را برای رفع کاستی‌ها در خود پرورش دهند».

کریم زاده و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان واکاوی مشارکت والدین درباره آگاهی از وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان (دختر) در پایه اول ابتدایی، چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: «از آنجا که رابطه خانواده و مدرسه تعاملی و دوطرفه است. هر دو نهاد تربیتی باید به نقش خود عمل کنند تا تعلیم و تربیت ثمربخش شوند. وجود معلمان باصلاحیت در مدارس، خلأ وجود پدر و مادر را پر نمی‌کند و وجود والدین توانا و قابل نیز نمی‌تواند جای مدرسه را بگیرد. همکاری و هماهنگی این دو نهاد مهم در یک برنامه واحد و من‌جسم می‌تواند ثمربخش باشد. شکل‌گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی کودکان بیش از همه درگرو عملکرد خانواده و مدرسه است. این دو نهاد اجتماعی است که بزرگ‌ترین مسئولیت را در رشد و تکامل شخصیت کودکان بر عهده دارند».

نوروز نژادقادی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان ادراک اولیا و مدیران از مشارکت والدین در امور مدرسه (مطالعه پدیدارشناسانه) چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: «مصاحبه‌شوندگان طیفی از موارد از قبیل پیگیری امور آموزشی و تربیتی فرزند خود، شرکت در جلسات دانش‌افزایی، پذیرفت مسئولیت برنامه‌ای در مدرسه، قضاوت در مورد عملکرد معلمان و مشارکت در تصمیمات مدرسه از طریق مجاری قانونی مثل انجمن را مطرح کرده‌اند که نشان‌دهنده یک طیف حداقلی و حداکثری است.



مدیران میزان مشارکت والدین در این زمینه‌ها را منوط به دانش و مسئولیت‌پذیری والدین دانسته‌اند).

حبیبی و سراوانی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان رابطه مشارکت والدین در فرایند آموزشی فرزند با پیشرفت تحصیلی آنان در دوره ابتداییه بیان می‌کنند: «بین سطح سواد اولیا و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. بین اقتصاد خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. بین فضای روانی مناسب در خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. بین مشارکت اولیا در فرایند انجام تکلیف و یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد». (حبیبی و سراوانی، ۱۳۹۰: ۲)

در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی موانع مشارکت والدین امور مدارس مقطع ابتدایی شهرستان سمنان» توسط نشریه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۴: ۱۶۲) مطالعه کمی و کیفی صورت گرفته است که تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آن‌ها در تطبیق با برنامه‌ها کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روز مره، ساختار نظام آموزشی کشور وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها، عدم تبلیغات مناسب توسط رسانه‌های عمومی در ترویج فرهنگ مشارکت در مدارس از عوامل سهم‌گیری کمتر والدین شمرده شده است. (گوهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۲)

۴. مطالعات انجام شده در افغانستان

در مبحث آموزش و پرورش افغانستان اخیراً تحقیقاتی توسط مراکز تحقیق بین‌المللی و تعدادی مطالعات هم توسط افراد صورت گرفته است. از آن جمله Afghanistan Parent Teacher Committee Guidelines از بخش کمیته ارتباط والدین و معلم وزارت معارف، صدای والدین و اطفال از گروه تحقیق و دفاع از حقوق بشر «ARRAC»، از آن‌سوی دیوارهای مکتب: تصمیم‌گیری خانواده و شمولیت اطفال به مکاتب در افغانستان از واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یا «AREU»، اطفال و



معلم‌ان آن می‌توان نام برد. این نوشته‌ها از گذر موضوعاتی جانبی و به صورت بسیار کوتاه، طی چند جمله مختصر به موضوع ارتباط والدین و مکتب پرداخته‌اند، در حالی شرح اصلی بر مطالب دیگر تمرکز دارد و در هیچ‌یک به موضوع ارتباط والدین و اولیا مکتب و تأثیر آن بر یادگیری نپرداخته‌اند.

از جمله تحقیقات انجام شده که کمی بیشتر به آن پرداخته و جزئی‌تر بحث نموده، آقای وحید از پوهنتون کابل ۱۳۹۴، است. ایشان ضمن مطالعه اثر جوانب رهبری مکتب بر آموزش به مسئله لزوم ارتباط والدین و مکتب و ایجاد کمیته‌های جهت برقراری ارتباط بین آن‌ها اشاره نموده است. ایشان تماس با والدین را از وظایف و مسئولیت‌های رهبری مکتب دانسته و والدین را در رهبری موفقانه مکتب، دارای نقش مهم تلقی می‌نماید. با آن هم از دید رهبری مکتب، ارتباط با والدین ضروری پنداشته می‌شود، ولی به تأثیر آن در دوره ابتدائیه و چگونگی این تأثیر بر یادگیری پرداخته نشده است.

۵. چارچوب نظری تحقیق

چنانکه قبلاً اشاره شد، طفل، مکتب و والدین محور تمامی تلاش‌های نظام خانواده و حکومت است. حکومت که تسهیل کننده زمینه آموزش اطفال کشور را بر عهده دارد، موظف است که امکان دسترسی هر طفل را به مکتب فراهم نماید. از طرف دیگر والدین و خانواده است که باید از وظایف خویش در قبال فرزندان خود غافل نباشند. مسئله ارتباط بین این دو کانون پرورشی و آموزشی از مهم‌ترین فکتورهای یادگیری اطفال است. علاوه بر محیط آموزشی مکتب و مسئولین مدیریتی و تدریسی آن که فراهم کننده فضای آموزشی و تطبیق کننده پلان‌های درسی هستند، محیط و اجتماع پیرامون طفل نیز از عوامل تأثیرگذار بر آموزشی و تربیت او است. اینجا است که والدین را وادار می‌سازد تا با نظارت بر این تأثیرات، آن را مدیریت و کنترل نمایند. با ورود طفل به مکتب، تمام وظایف تعلیم و تربیت تنها به دوش مکتب نیست. از این رو والدین باید همچنان که در خانه وظیفه مراقبت و کنترل اطفالشان را دارد، از



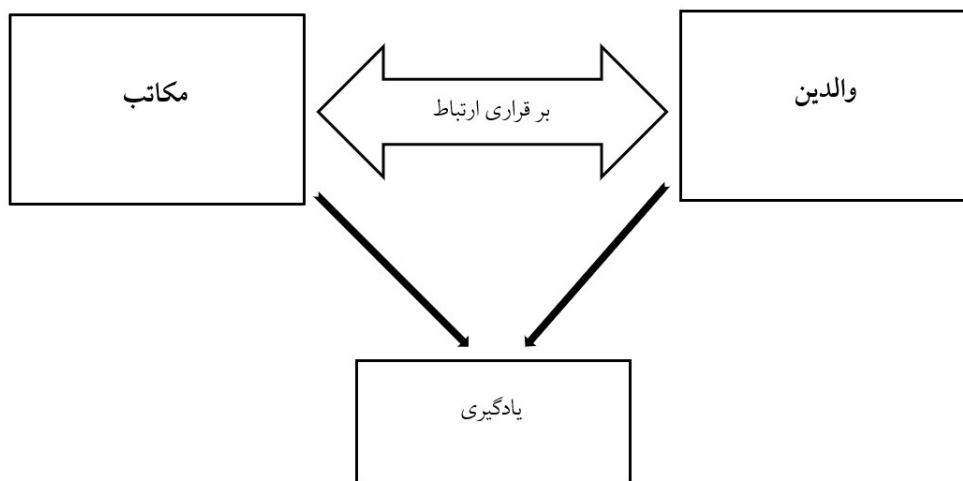
وضعیت درسی او در مکتب نیز باید بی خبر نباشد. طفل با گذاشتن پا به مکتب چه در محیط مکتب، مسیر راه یا در جامعه‌ای که در آن حضور دارد، با افراد متفاوت با افکار، اخلاق و رفتارهای مختلفی روبرو می‌شود. این‌ها عواملی است که می‌تواند بر یادگیری طفل اثر داشته باشد.

والدین و مکتب باید از مواجه‌شدن شاگرد با عوامل مخرب مانع شود. والدین نیاز دارند تا با هماهنگی مکتب این عوامل را کنترل نموده و مراقبت از طفل را فراموش ننمایند. بر علاوه طفل/ شاگرد در قسمت یادگیری و انجام وظایف خویش، به حمایت خانواده نیاز دارد و بدون ارتباط والدین با مکتب، این نیاز آنان شناسایی و رفع نخواهد شد.

دوره ابتدائیه برای شاگردان، یک دوره تعیین‌کننده بوده و مسیر موفقیت یا سرخوردگی و مایوسی آینده را برای آنان در پی خواهد داشت. از همه مهم‌تر مسئله یادگیری شاگرد است. وقتی ما طفل خود را در مکتب می‌فرستیم، طبعاً انتظار داریم که مراحل آموزش و یادگیری او به بهترین نحو پیش برود. در یادگیری مسائلی زیاد و مختلفی می‌تواند اثرگذار باشد. از عوامل درونی مانند علاقه طفل به درس، استعداد و توانایی‌های آن، داشتن روحیه خوب و...، عوامل بیرونی مانند تغذیه مناسب، حمایت‌های والدین، کمک معلمان و... همگی در کنار هم یادگیری را تسهیل می‌نماید. والدین و مسئولین مکتب، تأثیر ویژه‌ای را بر یادگیری شاگرد دارد. درس معلم و حمایت والدین، هر دو می‌تواند یادگیری را برای دانش‌آموزان آسان و عمیق نمایند.

لذا ارتباط والدین و مکاتب باید یک اصل مهم تلقی شده و همه باید از اهمیت آن آگاهی یابند؛ اما چگونگی ارتباط، مهم است. ارتباط از کدام طرف باید شروع گردد. کدام جانب از چه نکاتی باید آگاهی داشته باشند. این ارتباط به چه وسیله باید برقرار گردد. کدام متغیر، والدین و یا مکتب، بیشترین تأثیر را بر یادگیری دارد. به هر صورت ارتباط بین آن‌ها باید باشد تا یادگیری خوب‌تر صورت گیرد. نبود ارتباط تبعاتی دارد که ممکن شاگرد از آن لطمه زیادی را ببیند که جبران آن بسیار سنگین و یا غیرممکن باشد. (احسانی، ۱۳۹۸)

در شکل زیر مفاهیم فوق در چارتی نمایش داده شده است که گویای مؤثریت متغیرها بر هم دیگر است.



۶. روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش تحقیق کیفی صورت گرفته است. داده‌های استفاده شده در این تحقیق، دیدگاه‌ها و معلوماتی است که اشتراک کنندگان در اختیار محقق می‌گذارد. همچنین از مطالعه اسناد نیز اطلاعات مورد ضرورت به دست آمده و وضعیت رابطه والدین و مکتب شرح و توصیف می‌گردد. هدف این تحقیق دریافت چگونگی ارتباط بین والدین و مکتب است و این که این رابطه بر یادگیری چه تأثیری دارد. چیزی که برای ما مهم است، این است که فهم عمیق از پدیده ارتباط والدین و مکتب در دوره ابتدایی به دست آورده و چگونگی تأثیر آن را بر یادگیری شاگردان بدانیم.

مبنای این تحقیق بر ارقام و آماری نیست. لذا داده‌های ما عددی نخواهد بود. ما در ارتباط با اینکه ارتباط چگونه است، اگر نیست چرا نیست، یادگیری چرا اتفاق نمی‌افتد یا رضایت بخش نیست، ارتباط چه تأثیری می‌تواند بر آن داشته باشد، بحث می‌کنیم. گفته‌ها و معلومات و تجارب اشتراک کنندگان به شمول شاگردان، والدین و مسئولان مکتب که با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه به دست می‌آید، به پرسش‌های

فوق پاسخ خواهد داد.

این تحقیق به صورت موردی بوده و در محدوده مشخص و مکتب مورد نظر، اجرا شده است. معلومات حاصل شده در همان مورد تحلیل و تفسیر می گردد. قطعاً در این نوع تحقیقات خود محقق نقش کلیدی و اصلی را در این پروسه بازی نموده و می تواند خود به عنوان ابزار، عمل نماید. در تحقیق کیفی داده های به دست آمده پس از پردازش نیاز به تحلیل دارد. محقق نیز می کوشد تا تحلیل ذهنی و قدرت تجزیه معلومات را به شیوه منطقی انجام دهد.

در این تحقیق در مجموع ۲۰ تن که شامل ۲ تن مدیر مکاتب، آمر حوزه تعلیمی و ۱ تن عضو نظارت، ۱۰ تن معلم و ۶ تن والدین به منظور اجرای مصاحبه و پرسش و پاسخ از دو مکتب و حوزه تعلیمی ۱۳ در نظر گرفته شده است.

افراد فوق به صورت هدفمند و غیر تصادفی انتخاب گردیده است تا موضوعات طرح شده در این تحقیق به دست آید. این افراد کسانی هستند که به نحوی در کمیته های اولیا و مربیان سهیمند. از این رو خصوصیات مانند سن، جنسیت، میزان تحصیلات و سواد آنها مطرح نبوده است. هرچند در خلال بحث بر چگونگی و میزان اثرگذاری این شاخص ها بر یادگیری نیز در صورت لزوم تمرکز خواهیم داشت.

در این تحقیق از ابزارهای مطالعه اسناد موجود، مصاحبه و مشاهده استفاده شده است. با توجه به روش نمونه گیری هدفمند و انتخابی در ادامه، بعضی از جداول معلومات مکاتب ناحیه ۱۳ آمده است که نمونه ها از بین آنها انتخاب شده است.



جدول ۱: ارقام مكاتب دولتي ناحیه ۱۳

مكاتب دولتي							
محل هدف	مكتب	معلم			شاگرد		
		ذكور	اناث	مجموع	ذكور	اناث	مجموع
كل مراكز ناحیه ۱۳	۳۱	۸۰۵	۶۹۲	۱۴۹۷	۵۵۴۲۸	۵۷۷۹۴	۱۱۳۲۲۲
ابتدائي ناحیه ۱۳	۶	۳۱	۱۶	۴۷	۲۲۶۲	۲۸۱۷	۵۰۷۹

جدول ۲: ارقام مكاتب خصوصي ناحیه ۱۳

مكاتب خصوص							
محل هدف	مكتب	معلم			شاگرد		
		ذكور	اناث	مجموع	ذكور	اناث	مجموع
كل مراكز ناحیه ۱۳	۱۶۳	۱۳۲۸	۱۲۳۰	۱۲۳۰	۳۳۰۸۲	۲۳۵۵۵	۵۶۶۳۷
ابتدائي ناحیه ۱۳	۸۰	۳۱۶	۴۲۲	۷۳۸	۵۷۷۵	۴۱۵۰	۹۹۲۵

جدول ۳: ارقام مكاتب دولتي و خصوصي ناحیه ۱۳

مكاتب دولتي و خصوص							
محل هدف	مكتب	معلم			شاگرد		
		ذكور	اناث	مجموع	ذكور	اناث	مجموع
كل مراكز ناحیه ۱۳	۱۹۴	۲۱۳۳	۱۹۲۲	۴۰۵۵	۸۸۵۱۰	۸۱۳۴۹	۱۶۹۸۵۹
ابتدائي ناحیه ۱۳	۸۶	۳۴۷	۴۳۸	۷۸۵	۸۰۳۷	۶۹۶۷	۱۵۰۰۴

۱۴۰



۱۴۰۳



بهار و تابستان



شماره هفتم



سال چهارم



دوفصلنامه یافته‌های علوم تربیتی



دوفصلنامه یافته‌های علوم تربیتی



دوفصلنامه یافته‌های علوم تربیتی





جدول ۴: معلومات عمومی ساحه تحت بررسی ناحیه ۱۳

معلومات عمومی ساحه تحت بررسی								
ساحه بررسی	نفوس	مکتب		معلم			شاگرد	
		دولتی	خصوصی	ذکور	اناث	مجموع	ذکور	اناث
شهرکابل							۴۶۶۱۷۲	۴۶۴۴۳۰
دولتی	۴۲۷۳۱۵۶	۳۸۰	۱۲۱۶	۶۳۰۶	۱۸۵۴۱	۲۴۸۴۷	۵۸۳۵۸۳	۵۳۳۶۶۷
خصوصی				۶۲۵۰	۱۱۰۷۸	۱۷۳۲۸	۱۹۱۱۸۴	۹۹۱۸۶
ناحیه ۱۳	۲۵۴,۰۷۸	۳۱۳	۹۷۷				۷۵۰۹۰	۷۰۱۷۸
								۹۳۰۶۰۲

۷. یافته‌های تحقیق

در این تحقیق موضوعات مهمی مانند چگونگی ارتباط بین والدین و مکتب، تاثیر این رابطه بر یادگیری و چگونگی تأثیر ارتباط بر یادگیری شاگردان مطالعه شده و سعی شده به آن پاسخ پیدا نماییم.

این تحقیق نشان داد که در مکاتب مورد مطالعه، به خصوص مکتب دولتی حتی خود مسئولان از محتوای اسناد موجود در مورد رابطه اولیا و مربیان بی اطلاع هستند و گفته‌های آنان با محتوای اسناد مرتبط متفاوت بود. در حالی که در مکتب خصوصی این موضوع بسیار جزئی بود. آگاهی خود با ارتباط والدین و مکتب رابطه مستقیم دارد. مشکل دیگر خود اسناد موجود است که محتوای مبهم و مجمل دارد. تبیین ضعیف، تطبیق ضعیف را می‌رساند. نبود وقت کافی برای دایر نمودن جلسات در مکتب دولتی؛ اما در مکتب خصوصی یک ماه بعد دو ماه و گاه به صورت موردی جلسات برگزار می‌شود. موجودیت پلان دلیل اجرای و تطبیق جلسات است. باوجود سند و توضیحات مبنی بر برگزاری جلسات کمیته تماس با والدین، این کمیته در مکتب دولتی فعال نبوده و حتی اعضای آن معلوم نبود. نه تنها که مکتب مورد بررسی اقدامی خاصی در برگزاری این جلسات نداشته، بلکه دایر نشدن جلسات تأثیر مستقیم در کاهش یادگیری شاگردان دارد.



در عدم اشتراک والدین، عواملی مانند سطح پایین سواد والدین، ضعف اقتصاد خانواده‌ها و شاغل بودن والدین، دخیل است. بین مشارکت اولیا و انجام وظایف خانگی و یادگیری توسط شاگردان رابطه وجود دارد.

به‌طور کلی رابطه‌ها بین پیشرفت تحصیلی و یادگیری با سطح تحصیل والدین رابطه دارد. اقتصاد با پیشرفت شاگرد نیز رابطه دارد. بیشتر کمیته‌های تماس با والدین به دلیل نبود یک رهنمود جامع و عدم مدیریت جدی و فعالیت مسئولانه، این بخش نتوانسته است رابطه خوبی را بین والدین و مکتب برقرار نمایند. از این رو مشارکت کمتری از طرف والدین صورت می‌گیرد. نبود تبلیغات مناسب برای آگاهی والدین از مواردی بود که در این تحقیق به‌وضوح شرح داده شده است.

نتایج تحقیق نشان داده که عوامل اقتصادی، سواد و آگاهی، شاغل بودن والدین، نبود وقت نزد والدین، عدم تبلیغات رسانه، باعث ارتباط کمتر والدین با مکتب می‌گردد. تحقیق حاضر جای خالی اسناد مورد نیاز و رهنمودی مفید را به‌صورت جدی به‌عنوان یک هشدار تذکر می‌دهد. مانند مشکلات فقر اقتصادی، شاغل بودن والدین، نداشتن وقت لازم، عدم آگاهی کافی و لازم، نبود تبلیغات و آگاهی عامه، عدم فعالیت رسانه‌های جمعی جهت ترویج و تبلیغ آن. هرچند نتیجه این تحقیق زیاد خوشایند نیست؛ اما می‌تواند حقایقی را واضح سازد تا متصدیان وزارت معارف در صدد رفع مشکلات موجود برآیند.

نتیجه‌گیری

بررسی چگونگی ارتباط والدین با مکاتب دوره ابتدائیه و تأثیر آن بر یادگیری شاگردان ناحیه سیزدهم تعلیمی که در این تحقیق به‌دست آمده، نشان‌دهنده نتایج ذیل است:

۱. همه مسئولان مکاتب ارتباط بین والدین و مکاتب را در مورد آموزش و پرورش اطفال حتمی و ضروری دانسته‌اند. مسئولان حوزه تعلیمی و مکاتب قبول دارند که والدین باید با احساس مسئولیت از مکاتب خبرگیری نمایند؛ اما تعداد بیشتر والدین این موضوع را با دیده اهمیت نمی‌دیدند.



۲. همه بر این حقیقت معترفند که سرمایه‌گذاری و توجه دولت و خانواده‌ها به خصوص والدین در دوره ابتدایی مهم است. از میان والدینی که در جلسات اشتراک می‌نمایند، بیشتر آن‌ها مادرانند. این در حالی است که می‌گویند این کار بیشتر مربوط به پدران است تا از مکتب خبر بگیرند.

۳. مکتب خصوصی و دولتی بر اساس تجربه‌شان می‌گویند که والدین باسواد بیشتر و راحت‌تر با مکتب تماس می‌گیرند. مشکل شاگردان با در میان گذاشتن مشکلشان با والدین باسواد زودتر و راحت‌تر حل می‌شود.

۴. مسئولان و معلمان در مکاتب خصوصی با جدیت زیادی کوشش در گسترش و تقویت ارتباط بین والدین و مکتب دارند. در حالی که مسئولین مکتب دولتی خود از عملکرد مکاتب دولتی در این رابطه ناراضی بودند.

۵. موانعی که در این تحقیق در ارتباط والدین و مکتب بیان گردید اشتغال والدین، آگاهی کمتر والدین از اهمیت تعلیم و آموزش فرزندانشان، نارسایی و نواقص در اسناد و لوايح موجود در ارتباط با فعالیت‌های کمیته تماس با والدین یا شورای اولیا و مربیان و عدم آگاهی والدین از برنامه‌های مکتب است.

۶. هماهنگی و همکاری والدین با مکتب دولتی در نظارت و کنترل شاگردان مکتب کمتر دیده می‌شود. به گفته افراد مصاحبه شده، در مکاتب دولتی ۵۰٪ والدین به درخواست مکتب جواب مثبت نمی‌دهند.

۷. به دلیل نبود فرهنگ و عدم بسیج عمومی بر تفکر مشارکت بین مردم، متأسفانه نتیجه‌ای که از ارتباط والدین با مکتب و تأثیر آن بر یادگیری داریم، هرگز قانع‌کننده نیست. هیچ برنامه آگاهی‌دهی، فرهنگ‌سازی و ترویج حرکت عمومی مشارکت والدین در مورد آموزش و تربیت اطفال از طریق رسانه‌ها به‌منظور پذیرش مسئولیت در میان اعضای جامعه، خانواده و والدین وجود ندارد.

۸. باوجود لوايحی که در زمینه کمیته تماس با والدین یا مشارکت اولیا و مربیان وجود دارد، مکاتب دولتی کمتر در این زمینه، فعالیت دارند. مسئولان آموزشی اظهار داشتند که کمیته تماس با والدین در مکاتب دولتی باوجود هدایات آمر حوزه تعلیمی

در دایر نمودن جلسات ماهانه عملاً چنین چیزی وجود نداشته است. به همین دلیل کمترین تعداد والدین در جلسات کمیته‌های مکاتب دولتی اشتراک می‌نمایند. از طرفی هم نیامدن والدین در کمیته‌ها، باعث سردی و توقف فعالیت کمیته‌ها شده است.

۹. یادگیری که متأثر از مشارکت والدین و ارتباط بین اولیا و مربیان باشد، در مکاتب خصوصی نسبت به مکاتب دولتی، بیشتر است.

مشکلات و راه حل‌ها

شماره	مشکلات	راه حل پیشنهادی	
		برای مکاتب	برای وزارت معارف
۱	ارتباط ضعیف بین والدین و مکاتب دولتی	مدیریت مکاتب در قدم نخست باید در قسمت برقراری ارتباط با والدین اقدامات جدی را در نظر بگیرند. کمیته را فعال نمایند و اعضای آن را جهت پیگیری مسائل، مورد تشویق قرار دهد. وقت لازم را برای معلمان فراهم سازند. برای این که مسئولیت پذیری والدین بیشتر شود از احادیث پیامبر اسلام و سفارش های اسلام استفاده نماید تا آن ها بدانند که این موضوعات در دین اسلام نیز اهمیت دارد.	وزارت معارف باید موضوع ارتباط والدین و مشارکت آن ها را با مکاتب از طریق پخش آگاهی های عامه برای جامعه و به خصوص والدین اطلاع رسانی نماید. همچنین وزارت معارف می تواند فعالیت های مشخصی را از طریق رادیو و تلویزیون و رسانه های چاپی برای آگاهی دهی پخش و توزیع نماید.
۲	کمبود وقت معلمان به دلیل تایم های درسی شان	برای تشویق والدین مسئولان مکاتب باید وقت خود را مدیریت درست نماید آن ها می توانند با مدیریت درست زمان، از وقت کم بیشترین استفاده را ببرند.	وزارت معارف باید برای رسیدگی به مسائل و مشکلات شاگردان و برقراری ارتباط با والدینشان به مدیریت مکتب هدایت دهند تا با کاهش وقت درسی به این موضوع مهم رسیدگی نماید. حل مشکل شاگرد باید در اولویت قرار بگیرد زیرا اگر حل نشود تدریس معلم یادگیری را در پی ندارد. یا سطح یادگیری کاهش می یابد.



وزارت معارف در رهنمودها و طرز العمل‌ها رعایت نکات اخلاقی و به‌کارگیری مسائل روانشناسی را برای مدیران و مسئولان تدریسی و اداری، بگنجانند و از طریق اعضای نظارت مراقب آن باشند.	مسئولان تدریسی و اداری مکتب در برخوردهای خود با والدین و شاگردان باید مسائل روانشناسی و اخلاقیات را در نظر بگیرند، همیشه با والدین و شاگردان رفتار همراه با شفقت و دلسوزی و مهربانی را داشته باشند تا والدین و شاگردان از حسن نیت و عمل معلم و مدیریت مکتب مطمئن گردند. در غیر آن ممکن نتیجه عکس از عملکرد خود بگیرند. این کار باعث دلسردی و عدم مراجعه دوباره والدین به مکتب و سرکشی شاگردان از همکاری می‌شود.	رفتار مسئولان و معلمان ممکن گاهی باعث رفتار بد شاگردان و بی‌نظمی بیشتر آن‌ها شود.	۳
--	--	--	----------



فهرست منابع

۱. احسانی، محمد، (۱۳۹۸)، خانواده و مدرسه، مجله معرفت، شماره ۶۲.
۲. آربزی، محسن، (۱۳۹۹)، نقش والدین در امور تحصیلی فرزندان، نشریه رشد آموزش مشاور مدرسه، دوره شانزدهم، شماره ۲ زمستان.
۳. بهبودی، هایده، (۱۳۸۷)، اهمیت مشارکت والدین در فعالیتهای مدرسه، تعلیم و تربیه استثنائی، شماره ۸۷.
۴. حبیبی، شراره و سراوانی، محمدعلی، (۱۳۹۰)، رابطه مشارکت والدین در فرآیند آموزشی فرزندان با پیشرفت تحصیلی آنان در دوره ابتدایی، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد. شماره ۲۹: ۱-۲۷.
۵. شورای علمی، وزارت معارف، (۱۳۹۱)، مجموعه لوایح و طرز العمل های معارف؛ (لایحه شورای اولیای شاگردان).
۶. کریم زاده، عنایت؛ نوروزی، مهدیه؛ خیری نیا، حسینعلی؛ ظفری نژاد، عادل. (۱۳۹۹)، واکاوی مشارکت والدین درباره آگاهی از وضعیت تحصیلی دانش آموزان (دختر) در پایه اول ابتدایی، نشریه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناختی. شماره ۱۱، تابستان.
۷. گروه تحقیق و دفاع از حقوق بشر، (۲۰۰۴)، صدای والدین و اطفال، مرکز تحقیقاتی واحد افغانستان.
۸. گوهری، زهره؛ جمشید، لاله؛ امین بیدختی، علی اکبر؛ (۱۳۹۴)، شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدائی شهر سمنان، دوفصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی دوره چهارم/ شماره ۷ بهار. ص ۱۳۳-۱۶۲
۹. مرادی، صمد علی، (۱۳۹۸)، نوآوری در آموزش (چگونه بهتر یاد بگیریم و چگونه بهتر یاد بدهیم). کابل: مؤسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان.
۱۰. نوروز نژادقادی، محمد؛ سراجی، فرهاد؛ یوسف زاده چوسری، محمدرضا، (۱۳۹۸)،



ادراک اولیا و مدیران از مشارکت والدین در امور مدرسه (مطالعه‌ای پدیدارشناسانه)، دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان. ص ۳۱۹-۳۵۶.

۱۱. نهاد دیدبان شفافیت افغانستان، (۱۳۹۷)، معامله بر سر معارف؟ سروی مکاتب در ۱۰ ولایت افغانستان.
۱۲. واحد تحقیق افغانستان، (۲۰۰۵)، از آن سوی دیوارهای مکتب: تصمیم‌گیری خانواده و شمولیت اطفال به مکاتب در افغانستان.
۱۳. وحید، وحید الله، (۱۳۹۴)، اثر رهبری مکتب بالای آموزش شاگردان در ناحیه سوم شهر کابل، پایان‌نامه منتشر نشده ماستری، پوهنتون کابل، پوهنځی روانشناسی و علوم تربیتی، دیپارتمنت مدیریت آموزشی.
۱۴. وزارت معارف، (۱۳۸۲)، قانون معارف افغانستان، فصل یازده، احکام متفرقه، ماده ۴۸.
۱۵. وزارت معارف، (۱۳۹۱)، مسوده لایحه تعلیمات اساسی و ثانوی.
۱۶. وزارت معارف، (۱۳۹۶)، پلان استراتژیک سوم ملی معارف ۱۳۹۶-۱۴۰۰ ش.
۱۷. وزارت معارف، (۱۳۹۶)، سند اصلاحات معارف.
۱۸. وزارت معارف، (۱۳۹۷)، سند مکانیزم همکاری معارف با جامعه مدنی.
۱۹. وزارت معارف، ریاست عمومی تعلیمات عمومی، (۱۳۹۰)، رهنمای پالیسی تعلیمات محلی.
۲۰. وزارت معارف، (۱۳۶۱)، مقررہ وزارت معارف جمهوری دموکراتیک افغانستان، جریده رسمی شماره. سوم، نمبر مسلسل ۵۰۷، مطبعه دولتی.

21. Afghan Children Read. (2021), Struggling Readers in Afghanistan Early Grades Education. WWW.usaid.gov/Afghanistan.